

دیوان اشعار

ابوالفضل ونداوی محبی

به همراه

(گرامات سید محمد تاج الدین)

و اسناد خاندان ونداوی

جمع آوری و تصحیح:

علی اصغری ولیک‌بنی

انتشارات

کتاب

سرشناسه: وندادی مجی، ابوالفضل، ۱۲۸۵-۱۳۵۹.

عنوان و نام پدیدآور: دیوان اشعار ابوالفضل وندادی مجی به همراه (کرامات سیدمحمد تاج‌الدین) و اسنادخاندان وندادی جمع‌آوری و تصحیح علی اصغر ولیک‌بنی.

مشخصات نشر: ساری: کلک واژه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ص: نمودار.

شابک: ۹-۵۸-۶۴۷۱-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: واژه‌نامه

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

شناسه افزوده: اصغری ولیک‌بنی، علی، ۱۳۵۷ - گردآورنده

رده بندی کُرره: PIR ۸۳۶۳

رده بندی دیویی: ۶۲۰۸۱۰

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۵

دیوان ابوالفضل وندادی مجی

جمع‌آوری، تصحیح و تحشیه: علی اصغری ولیک‌بنی

ویراستار: سمانه ابوالقاسمی

صفحه آرای: معصومه امیری

طراح جلد: علی اصغر عباسی میانایی

تایپ: عشرت شریفی سوته‌کلایی، سیمین شریفی سوته‌کلایی

انتشارات: کلک واژه

شابک: ۹-۵۸-۶۴۷۱-۶۲۲-۹۷۸

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰نسخه

فهرست مطالب

۱۳	پیش گفتار
۱۶	قاروندان (سوخرائیان و وندادیان)
۲۲	خاستگاه خاندان وندادی
۲۳	زندگی نامه
۲۶	مردانگی ابوالفضل
۲۸	نسخه های موجود
۲۸	نحوه ی جمع آوری اشعار شاعر
۳۱	تبارنامه ی خاندان وندادی
۴۴	توصیه به نماز
۴۵	ابوالفضل و عشق به ائمه ی اطهار
۴۷	ابوالفضل و ارادت به حضرت عباس (ع)
۴۸	ابوالفضل و همدلی با امام (ع) و آسرای کربلا
۴۹	درخواست ابوالفضل از خداوند و ائمه ی معصومین
۵۳	رزم حضرت علی اکبر (ع)
۵۴	سینه زنی مناسب ۱۱ محرم
۵۶	سینه زنی
۵۸	نوحه ی مناسب عصر عاشورا
۵۹	سینه زنی جدید برای اربعین
۶۱	سینه زنی روز عاشورا
۶۲	سینه زنی خوب و مناسب روز عاشورا
۶۴	نوحه ی روز عاشورا
۶۶	سینه زنی زبان حال حضرت زینب خاتون
۶۷	سینه زنی
۶۷	سینه زنی حضرت علی اکبر (ع)
۶۸	سینه زنی حضرت قاسم (ع)
۶۹	سینه زنی مناسب شب نهم محرم
۷۰	شاه تنها
۷۱	سینه زنی حضرت قاسم
۷۳	سینه زنی مناسب روز عاشورا موقع وارد شدن دسته
۷۳	مرثیه ی جدید
۷۴	به مناسبت تاریخ فوت مرحوم شیخ ابوالقاسم دودانگه
۷۶	سینه زنی حضرت علی اکبر (ع)
۷۷	سینه زنی
۷۸	سینه زنی و صلوات بر حضرت ابوالفضل (ع)
۷۹	مرثیه ی حضرت علی اکبر (ع)
۷۹	سینه زنی یوم عاشورا به زبان حال حضرت زینب
۸۱	مرثیه ی حضرت عباس (ع)
۸۲	شام عاشورا

۸۳	مرثیه به مناسبت شب نهم محرم
۸۴	فی المرثیه حضرت مسلم (ع)
۸۶	صبح خوانی صبح عاشورا
۸۷	صغرا بگفت ای مرغ با هر دو چشم تر
۸۸	مرثیه در مصیبت حضرت مسلم
۸۹	فی مرثیه مناسبت یوم عاشورا
۸۹	سینه زنی مناسب شب و روز عاشورا
۹۱	در مقام بزرگی علی ابن ابوطالب و اولاد آن بزرگوار علیهم السلام
۹۲	در وصف نماز
۹۳	شرح حال، اقرار به جهالت و توسل به امام حسین (ع)
۹۴	عرض حاجت و توسل به پیشگاه امام حسین (ع)
۹۵	استغاثه، مناجات و توسل به پیشگاه امام حسین (ع)
۹۶	آرزوی زیارت بر امام حسین (ع)
۹۶	مناجات ونداد
۹۶	مناجات وندادی
۹۷	کتاب کرامات سید محمد تاج الدین
۹۸	مقدمه
۹۹	کرامت اول
۱۰۱	کرامت دوم
۱۰۱	کرامت سوم
۱۰۲	کرامت چهارم
۱۰۳	کرامت پنجم
۱۰۴	کرامت ششم
۱۰۶	کرامت هفتم
۱۰۸	کرامت هشتم
۱۰۸	کرامت نهم
۱۰۹	کرامت دهم
۱۱۱	کرامت یازدهم
۱۱۱	کرامت دوازدهم
۱۱۲	کرامت سیزدهم
۱۱۳	اسناد خاندان وندادی
۱۱۳	شکایت «ملاً آقابا امامی تلارمی» علیه عالیجاه «ابراهیم خان وندادی
۱۱۳	استشهاد در خصوص سهم ورثه ی محمد علیخان دودانگه
۱۱۴	استشهاد در خصوص درگذشت «خانم بزرگ» دختر محمدعلی خان وندادی همسر سید محمد رضوی جعفرآبادی
۱۱۵	شکایت از اعتضاد الملک حاکم مازندران
۱۱۶	دستور حکومتی در دفاع از حق یک سرباز
۱۱۶	درخواست تشویقی برای میرزا عباسقلی اسپهبدی هیکویی نیروی سرهنگ محمد خسروی (وندادی) براردهی
۱۱۷	فروشنامه زمین «استل سر
۱۱۸	درخواست تشویقی برای اسدالله فرهادنژاد هیکویی (اسدی شلیج)
۱۱۸	دستور حکومتی به محمد اسماعیل خان سرتیب حاکم دودانگه برای گرفتن حق دو خواهر یتیم

۱۱۹	اختلاف میرزا عباسقلی یاور با محمدخان سرتیپ
۱۱۹	تقسیم کار بین «سرتیپ اسماعیل خان وندادی» و «سرتیپ محمدخان خسروی براردهی» (وندادی)
۱۲۰	انتصاب میرزا عباسقلی اسپهبدی به درجه‌ی سر رشته داری فوج دودانگه
۱۲۱	اختطار به حاج ابراهیم سنگسری
۱۲۱	ترفع درجه‌ی میرزا عباسقلی اسپهبدی هیکویی
۱۲۲	باج گرک کلا (ورگ کلا)
۱۲۲	باج گرک کلا (ورگ کلا)
۱۲۲	درخواست آزاد سازی میرزا عباسقلی اسپهبدی
۱۲۲	هبه‌ی مال
۱۲۳	با درمائی برای پایان اختلافات
۱۲۴	درخواست آزاد سازی میرزا عباسقلی یاور
۱۲۵	تحویل تفنگ
۱۲۵	عقدنامه سرتیپ اسماعیل خان و فاطمه خانم
۱۲۶	نامه‌ی اسماعیل خان به هدی محمد
۱۲۶	آماده کردن وسایل خدمت و سفر ناصرالدین شاه
۱۲۷	گزارش کار
۱۲۸	اجاره‌ی روستای آبکسر به میرزا آقاسی سرتیپدار (میرزا آقا اسپهبدی هیکویی)
۱۲۸	شاهزاده مرحوم محمدجان سلطان
۱۳۳	لیست منصب داران و سربازان خاندان خاندانی در سمرقاجار به تفکیک روستا
۱۳۳	مآدده
۱۳۳	بالاده
۱۳۳	هیکوه
۱۳۳	تمام یا توم
۱۳۴	تلاجیم یا تلجیم
۱۳۴	پرور
۱۳۵	شلی
۱۳۵	آهنگر کلا پاپشت
۱۳۵	واودره
۱۳۵	دادو کلا
۱۳۶	جورجاده
۱۳۶	شلمک
۱۳۶	وزملا
۱۳۷	ولیک‌بن
۱۳۷	سوته کلا
۱۳۷	ولیک‌چال
۱۳۷	ایساس با اساس
۱۳۷	بارته کلا
۱۳۸	کرسپ
۱۳۸	رسکت
۱۳۸	سعدآباد

۱۳۸		سنگده
۱۳۹		تلاوک
۱۳۹		سیاهوشکلا
۱۳۹		دمیرکلا
۱۳۹		پرکوه
۱۴۰		کتیریم
۱۴۰		سواسره
۱۴۰		گلخوارون
۱۴۱		دامادکلا
۱۴۱		نلارم
۱۴۱		ایلال
۱۴۱		چاشم
۱۴۲		کلیم
۱۴۲		رودبارک
۱۴۲		سنگ چشمه
۱۴۳		پاجی
۱۴۳		بولا
۱۴۳		سیاهدشت
۱۴۳		کاورد
۱۴۳		فینسک
۱۴۳		خلرد
۱۴۴		کرکام یا سرکام
۱۴۴		کنتا و لسیرم
۱۴۴		فولادمحله و پولادمحله
۱۴۵		کیاده
۱۴۵		پابین ده
۱۴۵		آتنی
۱۴۶		واوسر
۱۴۶		تیلک
۱۴۷		تیله بن
۱۴۷		مالا یا مولا
۱۴۷		آرام
۱۴۷		جمال الدین کلا
۱۴۸		بی نوشت
۱۸۷		عکس های تاریخی
۱۸۹		واژه نامه
۱۹۱		نام نامه
۱۹۲		کتاب نامه

پیش گفتار

ادبیات و آثار تاریخی هر ملتی، شناسنامه و هویت فرهنگی آن را تشکیل می‌دهد. این آثار به دو جهت اهمیت دارند: اول به دلیل هویت بخشی آن، دوم به دلیل انتقال اطلاعات سیاسی، مذهبی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و غیره به نسل‌های آینده. همان‌گونه که انسان بدون شناسنامه، از بی‌هویتی رنج می‌برد و در پی نسبت دادن خود به شخصی با اصل و نسب می‌باشد، یک ملت هم بر آن است تا با نسبت دادن خود به یک پیشینه‌ی فرهنگی، تاریخی و تمدنی بزرگ، احساس سرافرازی کند و بدان افتخار نماید. امروز که در گوشه و کنار جهان، صدای جهانی سازی به گوش می‌رسد، دولت‌ها و ملت‌ها تلاش می‌کنند تا داشته‌های مادی و معنوی خود را به گونه‌های مختلف در معرض دید اقوام و ملت‌های دیگر قرار دهند، تا در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن حرفی برای گفتن داشته باشند. به همین دلیل، همه‌ی ما می‌بایست نسبت به گردآوری، شناساندن مفاخر ملی، حفظ آثار تاریخی و فرهنگی‌مان بکوشیم و در مسیر توسعه و بازسازی داشته‌های مادی و معنوی خود (چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام) گام برداریم؛ تا نسل آینده به پیشینه‌ی بزرگ و شکوهمند خود افتخار کند و در برابر فرهنگ بیگانه احساس خفت و خواری نکند و خود را نبازد.

هر گونه کوتاهی، کوتاه نگری، تعصب کورکورانه و بی توجهی به فرهنگ بومی، قومی و ملی، باعث جایگزینی فرهنگ بیگانه می شود و ضربه ها و صدمه های جبران ناپذیری را بر پیکره ی تاریخ، تمدن، فرهنگ و اقتصاد این سرزمین وارد می سازد.

امید است مسئولان و دولتمردان خدوم جمهوری اسلامی، به احترام رای ۹۸/۲۲ درصدی مردم ایران به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن، افزون بر اجرایی کردن همه ی اصول قانون اساسی، نسبت به اجرایی کردن اصل ۱۵ قانون اساسی (تدریس زبان اقوام در مدارس)، اصل ۱۹ قانون اساسی (برابری حقوق اقوام از حیث رنگ، نژاد و زبان)، اصل ۲۰ قانون اساسی (برابری حقوق انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه ی مردم) و اصل ۴۳ قانون اساسی (تامین نیازهای اساسی بون مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، تامین شرایط و امکانات کار برای همه)، گام موثری در مسیر پیشرفت همه جانبه ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور دارند. مردم را در غرقاب بیکاری، بی خانمانی، گرسنگی، گرفتاری و مشکلات رها نکنند؛ چرا که «من معاش له لا معاد له».

دولت مردان و سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران باید بدانند که پیشرفت کشور مرهون تلاش آنان در دو جبهه ی «بیرونی» و «درونی» می باشد. آنان علاوه بر توجه به مسایل «استراتژیک»، می بایست به مسایل «ایدئولوژیک»، «اقتصادی» و «فرهنگی» جامعه توجهی بیشتری داشته باشند. زیرا در طول تاریخ ایران همواره به خاطر نارضایتی های داخلی دچار تلاطم و چالش شده است. کشور شوروی بهترین و ملموس ترین مثال برای مسئولان جمهوری اسلامی می باشد. شوروی در مسایل استراتژیک و نظامی به پیشرفت های فراوانی دست یافت و توانست صدها کلاهک هسته ای، زیردریایی، هواپیماهای راهبردی، توپ، تانک و ده ها طرح پیشرفته ی دیگر بسازد، اما همین کشور قدرتمند که تمام منابع خود را صرف مسایل نظامی و رویارویی با کشورهای غربی می نمود، به خاطر بی توجهی به امور داخلی به مرور زمان در اقتصاد و معیشت مردم دچار مشکل شد و ناموسش در کشورهای اروپایی به حراج رفت. بی توجهی به معیشت مردم منجر به طغیان شهروندان و در نهایت باعث تجزیه ی کشور شوروی - ابر قدرت شرق - شد. باید بدانیم که کشور ما هم از این قاعده مستثنی نیست. اقتصاد نقش زیادی در آرامش و آسایش روحی و روانی جامعه دارد. وقتی تعادل روحی و روانی جامعه از بین برود، ناامنی اقتصادی و اجتماعی

آن را فرا می‌گیرد. وقتی مردم احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی بکنند کشور به سوی هرج و مرج و تجزیه پیش می‌رود. کشورهایی که از اقوام مختلف تشکیل شده‌اند مسئولان آن باید از فراست و هوشیاری بیشتری برخوردار باشند و توجه بیشتری به مسایل اقتصادی و فرهنگی مردم داشته باشند. کشور ایران از اقوام گوناگونی چون «ترکمن»، «تپور»، «گیل»، «آذری»، «کرد»، «عرب»، «فارس»، «بلوچ» و غیره تشکیل شده است. هرگونه بی‌توجهی به این اقوام و معیشت آنان ضربات جبران ناپذیری را به کشور وارد می‌سازد. با توجه به این که دشمنان ایران همواره چشم طمع به آن داشتند و دارند، مسئولان باید در مسیر پیشرفت و توسعه‌ی متوازن تمام نقاط کشور خدمت رسانی به تمام اقوام ایرانی گام بردارند و آنان را به آینده‌ای روشن و پیشرفته امیدوار سازند.

امروز مهمترین دغدغه‌ی مسئولان فرهنگی و اقتصادی کشور باید «کار و تولید» باشد. بعد از تشکیل «حکومت اسلامی»، «کار» ارزشمندترین «معروف» و بزرگترین «تفریح» است. جوانی که کار داشته باشد ساعت شش صبح از خواب بر می‌خیزد و تا ساعت شش و نیم، صبحانه می‌خورد. شش و نیم تا هفت، به محل کار می‌رود. هفت تا دو بعد از ظهر، سرگرم کار و تولید است. دو تا دو نیم بعد از ظهر، به منزل بر می‌گردد. دو نیم تا سه بعد از ظهر، ناهار می‌خورد. سه تا پنج بعد از ظهر، استراحت می‌کند. اگر کار داشته باشد ازدواج می‌کند. وقتی ازدواج کرد، مدتی از وقت خود را صرف زن، فرزند، تفریح، سرگسی از دستگان و دوستان می‌نماید. برای پایند کردنش می‌شود وام مسکن و خودرو در اختیارش قرار داد و میزان فعالیتش را در اجتماع و محل کار افزایش داد. به همین راحتی می‌توان او را سرگرم زندگی کرد. از انحرافات اجتماعی دور نگاه داشت. در جامعه‌ای که کار و تولید نباشد، یأس و ناامیدی آن را فرا می‌گیرد و فساد و تباهی در آن حکم فرما می‌شود. در چنین جامعه‌ای، افراد از راحت‌ترین و غیر اخلاقی‌ترین شیوه‌ها برای کسب درآمد استفاده می‌کنند که در این صورت جامعه به سوی گورستان ناهنجاری پیش می‌رود و شیرازه‌ی خانواده و اخلاق از هم می‌پاشد.

عزیزان! همه‌ی ما باید هزینه‌های فرهنگی و اقتصادی کشور را صرف تولید و اشتغال کنیم تا روح نشاط، امیدواری و خدا باوری بر جامعه حاکم شود و مردم در مسیر آبادی دنیا و آخرت خود

گام بردارند. باید بدانیم، جامعه‌ای در مسیر توسعه‌ی فرهنگی و تعالی دینی گام بر می‌دارد که مردم آن دغدغه‌ی معاش نداشته باشد.

قارنوندان (سوخرائیان و وندادیان)

«قارن» (در اصل لغت غارن) یا «کارن»، نام یکی از خاندان‌های بزرگ عهد «اشکانیان» است که در عصر «ساسانیان» هم، دارای اهمیت بوده است. آن‌ها در عصر ساسانیان، یکی از هفت خاندان بزرگ ایرانی بودند که بر تبرستان فرمانروایی داشتند. پادشاهان «قارنوند» به «گرشاه» (برشا - ملک الجبال) مشهور بودند. بعضی از مورخان، قارنوندان را به نام «سوخرائیان» و «وندادیان» می‌شناسند. بنا بر روایت تاریخ، «پادشاهی تبرستان، از عهد اسکندر مقدونی تا عهد قباد پدر انوشیروان، بر خاندان «گشنسپ شاه» (جسنفشاه) بود و تمامی فریوادگر را - طبق نوشته‌ی ابن اسفندیار - تاریخ تبرستان شامل: آذربایجان، تبرستان، گیل، دیلم، ری، قومس، دامغان و گرگان می‌باشد - در عصر گشنسپ شاه، اگر احياناً مدتی از ولایات منتزع [و برکنده] می‌شدند تبرستان را همیشه حاکم و سالکان بودند» (حقیقت، ۱۳۷۰: ۶۲)

«اعتماد السلطنه» در کتاب «التدوین فی احوال جبال شروین» می‌نویسد: «تاج و تختی که قارنوندان داشته‌اند، تا به عهد کیان هیچ وقت منقطع نبوده اگر چه به دست دو دودمان «وندادیان» و «سوخرائیان» افتاده [است].» (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۳: ۱۷۷)

خاندان «قارن» پیوسته بر تبرستان حکومت می‌کردند تا این که «فیروز» فرزند «یزگرد» نوه‌ی «بهرام گور» نتیجه‌ی «یزگرد» به پادشاهی رسید، پادشاه سیاطله «جستوار» به جدال او برخاست. این جنگ بعد از مدتی به صلح انجامید. برابر صلح نامه، مقرر شد برای رودخانه‌ی جیحون و آب بلخ، در تصرف فیروز باشد و «جستوار» نسبت به آن تعدی ننماید و مالکیت ایران را به رسمیت بشناسد. پس از مدتی «جستوار» نقض عهد کرد و به غارت اموال ایرانیان مشغول شد. «فیروزشاه» به جنگ «جستوار» رفت، اما در این جنگ شکست خورد و اسیر شد. «جستوار»، «فیروزشاه» را کشت و فرزندان، امرا و ارکان دولت را اسیر کرد و با خود به ماوراءالنهر بُرد.